

علم منطق

درس دوم

اقسام علم

علم را در مرحله اول به دو قسم تقسیم می کنند :

1 علم حضوری.

2 علم حصولی.

علم حضوری عبارت است از : حضور نفس معلوم در نزد عالم. مانند علم انسان به ذات خودش و صفات قائم به ذات و حالات خود (مثل علم او به تشنگی و گرسنگی که تحمل می کند).

علم حصولی عبارت است از : حصول صورت شیء در ذهن عالم. مانند علم انسان به اشیاء دیگر.

تصوّر و تصدیق

علم حصولی را ، به دو بخش تقسیم می کنند :

1 تصوّر.

2 تصدیق.

"تصوّر" عبارت است از : ادراک شیء به صورت ساده ، بدون اینکه حکمی در کار باشد ؛ مثل تصوّر نور .

"تصدیق" عبارت است از : ادراک همراه با حکمی در باره چیزی؛ مانند تصدیق این امر که نور ، دارای سرعتی معادل با 299 792 458 متر در ثانیه است.

تصوّر و تصدیق ضروری و نظری

هریک از ادراکات یادشده (یعنی تصور و تصدیق) ، بر دو قسم تقسیم می گردند :

1 ضروری (بدیهی).

2 نظری (اکتسابی).

ضروری ، یعنی ادراکی که به صورت بدیهی و بدون نیاز به تفکّر و عمل اندیشیدن ، به خودی خود معلوم باشد.

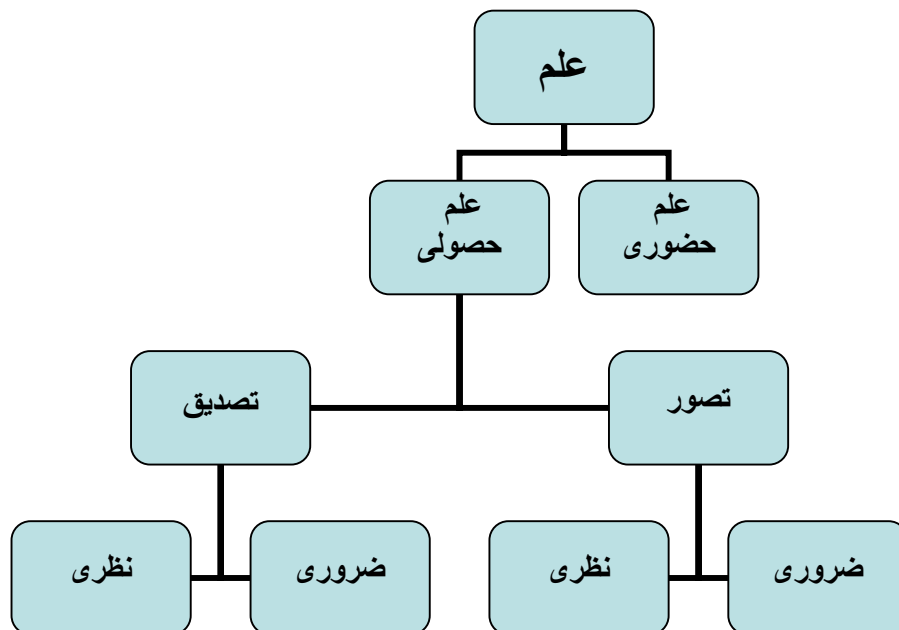
نظری ، یعنی ادراکی که به خودی خود معلوم نمی گردد ، بلکه پی بردن به آن نیازمند فکر کردن است.

تصوّر ضروری ، مانند تصوّر "بودن" یا "نبودن" ، و "سیاهی" یا "سفیدی".

تصوّر نظری مانند تصوّر "جان" ، "برق" ، یا "انرژی".

تصدیق ضروری مانند تصدیق اینکه : "کل از جزء ، بزرگتر است" ، یا اینکه : "جمع میان دو ضدّ ، محال است".

تصدیق نظری مانند تصدیق اینکه "مجموع زوایای مثلث مستوی، مساوی با 180 درجه است" ، یا اینکه : "آفرینش جهان مادی ، با انفجار بزرگ ، آغاز شده است".



نمودار اقسام علم

منشأ تصوّر ها و تصدیق ها

دانشمندان در زمینه منشأ تصوّر ها و تصدیق ها ، دیدگاه های گوناگونی ارائه کرده اند ، که به طور فشرده ، از نظر گرامی شما می گذرانیم :

منشأ تصوّر

در زمینه منشأ تصوّرات ، نظریّاتی به شرح ذیل وجود دارد :

الف - نظریه حسّی

پیروان نظریه حسّی مانند "جان لاک" بر این باورند که حسّ ، تنها تأمین کننده تصوّرات و مفاهیم است. بنا بر این دیدگاه ، وقتی چیزی را با حسّ خود درک می کنیم ، ذهن ما آن را تصوّر می کند. همچنین ، ذهن می تواند پس از تصوّر محسوسات ، آن ها را تجزیه و ترکیب کند ، و یا با تجرید و تعمیم ادراک حسّی خود ، معانی کلی را تصوّر کند که بر مصادیق متعدّدی منطبق باشد.

مثلا ، با دیدن و تصوّر کردن برخی درختان مانند درخت سیب و درخت افاقیا و درخت سرو ، عنوان کلی "درخت" را که بر همه

درختان قابل تطبیق است ، تصوّر می کند. بنا بر این نظریه ، منشأ همه تصوّرات ، حواس ظاهری انسان است.

ب - نظریه عقلی

دانشمندان مکتب عقل گرایی مانند "دکارت" بر این باورند که منشأ تصوّرات بشری دو چیز است :

1 حسّ.

حواس ظاهری انسان باعث می شود که ذهن ما اموری مانند نور ، صوت ، طعم ، بو ، حرارت ، برودت ، زبری ، نرمی و امثال آن را تصوّر کند.

2 فطرت.

ذهن بشر ، بسیاری از مفاهیم و تصوّراتی که از طریق احساس بدست نمی آیند ، ولی در فطرت ذاتی انسان نهفته اند را تصوّر می کند ؛ مانند معنای "آفریدگار" ، "حرکت" ، "روح" و امثال آن.

بنا بر این ، منشأ برخی از تصوّرات انسان ، حسّ است ، ولی منبع بسیاری از تصوّرات او ، فطرت ذاتی آدمی است که حقایق یادشده در آن قرار دارد.

ج - نظریه استذکاری

پیروان این نظریه مانند "افلاطون" بر این باورند که ادراکات و تصوّرات عام و کلی انسان ، از باب استذکار و یاد آوری دانسته های پیشین است که نفس انسان در عالم مُثُل مشاهده کرده و آموخته است.

افلاطون به عالمی عقلانی به نام عالم مُثُل معتقد بود که مثالهای همه اشیاء و فضائل و ارزشها در آنجا قرار دارند. او بر این باور بود که نفوس انسان ها ، قبل از اینکه به بدن ها تعلّق بگیرند، به صورت مستقل وجود داشته اند و به خاطر آزادی از مادّه و قیود آن ، امکان اتّصال با مثال های یادشده برایشان فراهم بوده است و توانسته اند حقایق را از آن طریق ، فرا گیرند. اما پس از هبوط به عالم ماده و ارتباط با بدن های جسمانی ، حقایق مذکور را از یاد برده اند. بدین جهت ، به دنبال احساس جزئیات این عالم که انعکاس مثالهای عالم مُثُل هستند ، به یاد آن مثال ها می افتند و حقایقی را که سابقا ادراک کرده بودند ، به خاطر می آورند.

بنا بر این ، وقتی یک شخص ، فردی یا افرادی از انسان ها را با حسّ ظاهری می بیند ، می تواند معنای عام و کلی "انسان" را که در عالم مُثُل ادراک کرده است ، مجددا تصوّر نماید.

د - نظریه انتزاعی

پیروان این نظریه مانند بسیاری از حکمای مسلمان بر این باورند که تصوّرات انسان بر دو قسم است :

1 تصوّرات اوّلیه.

2 تصوّرات ثانویه.

توضیح امر اینکه : در مرحله اول ، حواس ظاهری انسان مانند قوای باصره ، سامعه ، ذائقه ، شامّه و لامسه ، زمینه تصوّر امور محسوس را در ذهن او فراهم می سازند.

بر این اساس ، حواسّ پنجگانه انسان در پرتو ادراک مستقیم اشیاء ، سبب تصوّر اموری مانند رنگ ، صدا ، طعم ، بو ، حرارت و امثال آنها می باشد.

اما در مرحله دوم ، ذهن انسان با نیروی خلاقه ای که دارد ، و با زمینه ای که بر اثر احساس جزئیات برای او فراهم شده است ، حقایق عام و کلی (مانند : "علیّت" ، "وجود" ، "وحدت" ، و امثال آنها) را انتزاع و ابتکار می کند که با حواسّ ظاهری انسان به صورت مستقیم ، قابل درک نمی باشند.
